

کشف حجاب در مناطق کردنشین ایران در دوره پهلوی اول

(روند اجرا و پیامدها)

حسن زندیه^۱

هردی مهدی میکه^۲

اژی آزاد ابوبکر^۳

چکیده

یکی از سیاست‌های دولت مرکزی ایران در دوره پهلوی اول، سیاست مدرن‌سازی و تجددگرایی بود که در این راستا برنامه‌های فرهنگی گوناگونی را در پیش گرفت. کشف حجاب یکی از این برنامه‌ها بود که دولت رضا شاه با شیوه‌های مختلفی در سراسر ایران سعی بر اجرای آن گذاشت که در مقابل با واکنش‌های متناقضی مواجه شد و اجرای آن نیز از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت بود. دولت رضاشاه در مناطق کردنشین نیز همانند دیگر مناطق ایران، در پی اجرای سیاست کشف حجاب بود. هدف این تحقیق بررسی

^۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران: zandiyehh@ut.ac.ir

^۲. دانشگاه سلیمانیه و دانشگاه توسعه انسانی (زانکوی گه‌شه‌پیدانی مرویی): hardi.mika@univsul.edu.iq

^۳. دانشگاه چرمو: azhi.azad@charmouniversity.org

چگونگی اجرای این سیاست فرهنگی دولت و واکنش مناطق کردنشین در مقابل آن است. پرسش‌های تحقیق عبارتند از: کشف حجاب در مناطق کردنشین چگونه بود و دولت از چه شیوه‌هایی بهره می‌برد؟ واکنش مردم مناطق کردنشین به اجرای این سیاست چگونه بود؟ کردها چه تلقی‌ای از برنامه کشف حجاب داشتند؟ در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای با تکیه بر اسناد انجام گرفته است. تحقیق حاضر به این نتیجه رسیده است که دولت برای اجرای سیاست‌های فرهنگی بخصوص کشف حجاب از ابزارهای مختلفی مانند مذهب، معارف و سرکوب استفاده می‌کرد. اما نکته قابل توجه آن است که کشف حجاب اگرچه در مناطق کردنشین همانند مناطق دیگر ایران با توسل به زور و خشونت اجرا گردید، اما به دلیل پوشش خاص زنان کرد در مقایسه با مناطق دیگر، شدت اعمال خشونت‌ها کمتر از اغلب مناطق دیگر ایران بود و مخالفت‌های جدی و واکنش‌های عملی قابل ملاحظه‌ای از جانب مردم را در پی نداشت.

واژگان کلیدی: پهلوی اول، کشف حجاب، مناطق کردنشین، لباس زنان

مقدمه

دولت رضاشاه در سال ۱۳۱۴ش سیاست کشف حجاب را برای همه مردم به اجرا درآورد و براساس این برنامه حجاب سنتی برای زنان ممنوع گردید. این سیاست در مناطق مختلف ایران، موجب نارضایتی گردیده و مبارزات مردمی را به وجود آورد. در این بازه زمانی، لباس و سیاست رابطه تنگاتنگی باهم داشتند. دولت پهلوی، برای اجرای برنامه‌های خود و القاء قدرت دولت نوین، هرگونه راهکاری را به کار می‌گرفت و در پی آن بود که تغییرات فرهنگی را در همه‌ی عرصه‌های جامعه اجرا کند و "اصلاحات" را تا دورترین مرزهای کشور گسترش دهد. از دیدگاه دولت پهلوی و رضاشاه، یکی از مهمترین مؤلفه‌های مرتبط با هویت، "پوشاک" مردم جامعه بود و این مسئله رابطه تنگاتنگی با روند "نوسازی" و "هویت‌سازی" دولت مرکزی داشت. از همین رو ترویج کشف حجاب به مردم ایران، یکی از برنامه‌های فرهنگی دولت و از جمله سیاست‌های "مدرن‌سازی" و متداول کردن اجباری لباس در سطح جامعه بود.

رفع حجاب زنان، از اقدامات فرهنگی رضاشاه و آرمان اساسی آن، تبعیت از الگوهای "جامعه غربی" و ساختن یک "جامعه مدرن ایرانی" بود. اجرای این برنامه، پیامدهای گوناگونی را به دنبال داشت و موضوع کشف حجاب در میان تمام بحث‌های دیگر مسئله‌دارتر شد، زیرا کشف حجاب در ایران از سویی نقطه اوج دخالت دولت در فرهنگ عمومی و از سوی دیگر، نمایانگر سطحی‌ترین نگرش به عنوان الگوی پیشرفت بود. نکته قابل توجه در پژوهش حاضر، واکنش مناطق گردنشین در برابر سیاست کشف حجاب است. البته مناطق مختلف ایران از لحاظ پوشش لباس اختلاف داشتند، بنابراین باید در نظر گرفت که در اجرای برنامه‌ی کشف حجاب، واکنش‌های مناطق نیز، مختلف و از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت بود. باید این نکته را هم در نظر گرفت که برخلاف مناطق دیگر ایران، در مناطق گردنشین، اصولاً حجاب یا چادری به آن مفهوم که مردم مناطق دیگر ایران داشتند، وجود نداشت و صورت زنان قبل از کشف حجاب، نمایان بود. تحقیق حاضر به دنبال ارائه پاسخ به سؤال‌های زیر است: اجرای سیاست کشف حجاب در مناطق گردنشین چگونه بود و دولت از چه شیوه‌هایی بهره می‌برد؟ واکنش مردمان مناطق گردنشین به اجرای این سیاست چگونه بود؟ کردها چه تلقی‌ای از کشف حجاب داشتند؟

هدف تحقیق

بررسی چگونگی اجرای برنامه کشف حجاب توسط دولت پهلوی اول در چارچوب سیاست‌های فرهنگی دولت مرکزی و واکنش مناطق گردنشین (با تکیه بر کرمانشاه، سنندج و آذربایجان غربی) است.

فرضیه‌ی تحقیق

با توجه به خصوصیات جامعه گردنشین، وضعیت لباس و حجاب متفاوت زنان گرد در مقایسه با مناطق دیگر ایران، شدت اعمال خشونت دولت در اجرای سیاست کشف حجاب و واکنش مردمان این مناطق به این سیاست متفاوت بوده است .

پیشینه مسئله کشف حجاب و اجرای آن در دوره پهلوی اول

در عصر قاجار و اوایل دوره پهلوی اول در جامعه، چادر به مثابه یک نماد اجتماعی، برای لباس زنان تلقی می‌شد و انگار زن را بدون چادر نمی‌شد دید. این سنت لباس پوشیدن زنان، به شدت مورد انتقاد روشنفکران قرار گرفت. (صابر، ۲۰۱۳، ص ۲۲۴) آغاز مبارزه جویی زنان، با هنجارهای سنتی حجاب در ایران از سال ۱۲۲۷ش شروع شد، که "قره‌العین" یک زن از فرقه بابی در یکی از تظاهرات بابیان، بدون حجاب ظاهر شد و او اولین زن بی حجاب، در تاریخ معاصر ایران قلمداد گردید. (شهابی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۹) بعد از قره-العین، برخی از زنان سرشناس دیگر مانند "صدیقه دولت‌آبادی"، منشی دومین کنگره زنان شرق، مدیر قدیم مجله زنان در اصفهان و تحصیل‌کرده دانشگاه سربین پاریس در سال‌های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ش، بعد از شرکت در کنگره بین‌المللی زنان پاریس و مراجعت به ایران، در سال ۱۳۰۶ش دیگر چادر بر سر نکرد و با لباس و کلاه اروپایی بیرون می‌رفت. (اسحاقیان، ۱۳۹۶، ص ۲۹-۳۰)

وضعیت زنان در عصر قاجار و اوایل دوره پهلوی اول مانند دیگر اقشار جامعه ایران، در مقایسه با کشورهای اروپایی و با گرایش‌های اجتماعی معاصر، عقب‌مانده بود. دولت مرکزی پهلوی اول برای بهبود وضعیت جامعه و بخصوص "وضعیت و آزادی زنان" برنامه‌های سه‌گانه‌ای را به اجرا درآورد: ۱- کشف حجاب (چادر) ۲- تغییرات در قوانین ازدواج و طلاق ۳- توسعه فرصت‌های آموزشی برای زنان. (زوید و محمد، ۲۰۰۹، ص ۱۹۰) که در این تحقیق به کشف حجاب و رویدادهای مربوط به اجرای آن پرداخته شده است.

برخی از روشنفکران و مسئولین که در ترویج مفهوم نوسازی سهم بسزایی داشتند، تغییر وضعیت زنان کشور ترکیه و افغانستان را به عنوان الگو نگاه می‌کردند و تغییراتی که در آنجا به وجود آمده بود، قابل توجه می‌دانستند. مجله "تقدم" در مقاله‌ای به نهضت ترکیه اشاره کرده است:

"بعد از الغاء خلافت و استقرار حکومت جدید به اصلاح به قوانین مدنی پرداخته... با تغییراتی که موافق محیط و روحیات ملت ترک دانست به قوانین مدنی سوئیس تبدیل نموده و در نتیجه خیلی از امور اجتماعی و عادات و آداب آن ملت تغییر بهم رسانید،

ترکیه برای اینکه در ظاهر نیز خود را هم‌رنگ ملل متمدن بسازد، فینه را به شاپو مبدل نمود، ... بزرگترین کاری که حکومت جوان ترکیه باشجاعت بی‌نظیر به انجام آن موفق گردید، مسئله استفاده از نصف قوای ملت یعنی زنان است... این تجارب حکومت ترکیه را براین وادار نمود که برای استفاده کامل از وجود جنس لطیف، هر مانعی که آنها را از خدمت به مملکت باز میدارد، برطرف کرده، آزادانه به خدمت دعوت نماید". (تقدم، ۱۳۰۶، ص ۴۲)

روشنفکران ایرانی برای ترویج موضوع کشف حجاب و موضع آزادی زنان، به اندیشه‌های "قاسم امین" توجه کردند. امین از جمله روشنفکرانی غربگرای مصری بود، که اندیشه‌های او تحت عنوان حقوق زنان، آموزش زنان، موقعیت اخلاقی و حقوقی برابر با مردان بود. به همین علت در اوایل قرن بیستم، کتاب قاسم امین توسط میرزا یوسف‌خان مستوفی ترجمه و در قسمت‌هایی از کتابش به نام "تربیت نسوان" گنجانده و در اواخر دوره پهلوی اول هردو کتاب "آزادی زنان" و "زن امروز" توسط وزارت فرهنگ با ترجمه احمد مهدب منتشر شد. (اسحاقیان، ۱۳۹۶، ص ۲۴-۲۷)

در برخی از مطبوعات عراقی نیز وضعیت زنان و مسأله حجاب زنان بازتاب داشت، برای مثال روزنامه "الزمان" عراق در سال ۱۹۲۷م درباره لباس زنان ایران گزارش ستایش‌آمیزی را منتشر نموده و نوشته است:

"زنان ایرانی تقریباً بدون پوشش صورت ظاهر شده و زیبایی چهره خود را در معرض دید عمومی قرار داده‌اند و در مجالس و نشست‌های خاص و در برخی از اماکن حضور دارند و برخی از زنان حجاب سنتی را کنار گذاشته‌اند". (الزمان، ۱۹۲۷، ص ۳)

برای اجرای برنامه‌های مرتبط با جامعه زنان، نهادهای گوناگونی تأسیس گردید، مانند: **"جمعیت نسوان وطنخواه"** که در سال ۱۳۰۲ش توسط محترم اسکندری تأسیس شد و برای نشر افکار نوگرایی متعلق به حقوق و آزادی زنان، مقالاتی منتشر کرد و سخنرانی‌هایی در مجامع زنان و نمایش ویژه برای بانوان ارائه داد و جشن‌هایی در مدارس گرفتند. اغلب بانوان عضو این جمعیت از تحصیل کرده‌های اروپا بودند. در ادامه **"جمعیت تمدن نسوان"** در ۱۷ تیر ۱۳۰۵ش و **"کانون بانوان"** در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴ش تأسیس گردیدند. بر اساس اساسنامه این کانون، ریاست عالی آن را **"شمس پهلوی"** بر عهده داشت و وزرات معارف آن را مساعدت و مراقبت می‌کرد. (زهیری، ۱۳۷۹، ص ۴۵)

نخبگان ایران پیش از رسمی شدن کشف حجاب و تغییر در لباس زنان، به این مسئله پرداخته بودند و طرفدار تغییر اوضاع زنان بودند، برای مثال "ایرج میرزا"، "ابوالقاسم لاهوتی" و "محمد حسین شهریار" از جمله روشنفکرانی بودند که از لباس زنان ایرانی انتقاد کرده بودند. ایرج میرزا اشعاری درباره حجاب و اوضاع زنان نوشته و از وضعیت آنان انتقاد کرده بود، به عقیده او جامعه سنتی ایران و روحانیون از عوامل عقب افتادگی زنان بودند:

نقاب دارد و دل را به جلوه آب کند نعوذبالله اگر جلوه بی نقاب کند

فقیه شهر به رفع حجاب مایل نیست چرا که هرچه کند حیل در حجاب کند

(ایرج میرزا، ۱۳۵۶، ص ۱۳)

درباره همین موضوع، روزنامه گلگون همدان شعری از شهریار منتشر کرده بود که نقش مذهب و تاثیرگذاری آن، لباس چادری و "مقنعه" زنان را مورد انتقاد قرار داده بود:

ننگ آیدم از گفتن این روضه مکن گوش^۴ آخر بسر و سینه خود کم بزن ای زن

تو ماه مقنع بسر خود چه زنی مشتی؟ آن مشتی سر شیخ معمم بزن ای زن

(شهریار، ۱۳۰۷، ص ۲ و ۱) (شهریار، ۱۳۴۲، ص ۱۳۶)

با بازخوانی این دست اشعار سابق می توان به این نکته پی برد که انتقاد روشنفکران درباره حجاب همان پرده و نقابی است که اغلب زنان ایرانی در آن دوره داشته و چهره خود را با آن می پوشاندند.

مسأله حجاب زنان قبل از اجرای برنامه‌ی کشف حجاب اجباری، بیشتر به معنی آزادی زنان و شرکت در امور زندگی مانند مردان بود، کشف حجاب معادل واژه پرده و دیوار میان مردان و زنان تلقی می شد. برخی از روشنفکران درصدد بودند که تفاوت میان حجاب و روسری را توضیح دهند و در این مورد مطالبی را در نشریات آن دوره نوشته یا ترجمه می کردند، تا به جامعه مذهبی تفهیم کنند که منظور از عمل و آزادی زنان

^۴ در دیوان شهریار این مصرع به شرح ذیل آمده است: «بر برگ گلت شبنم اشک اینهمه بس نیست؟» (شهریار، ۱۳۴۲، ص ۱۳۶)

و برداشتن حجاب، برداشتن روسری نیست. برای مثال در سال ۱۳۰۷ش، در شماره ۲۱ روزنامه "حبل المتین" مصاحبه‌ای از روزنامه‌نگار اروپایی با "ملکه ثریا" (ملکه افغانستان) منتشر شده و روزنامه "گلگون" نیز آن مصاحبه را در دو بخش در شماره ۱۹ بازنشر کرد، در متن مصاحبه آمده که "آنچه در قرآن به حجاب اشاره شده، پرده مشترک بین زن و مرد است و ستر شرعی در زن باستثنای صورت کفین و قدمین است... ستر زنان در اسلام همان ستري است که در نماز و طواف خانه خدا لازم شناخته آمده است". (گلگون، ۱۳۰۷، شماره ۱۹، ص ۱) آنچه در این متن مشخص است این است که معنای واژه‌ی حجاب کاملاً به معنای پرده آمده است نه روبند و روسری.

آغاز مسئله کشف حجاب از لحاظ دستور رسمی در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ش اعلام و اجبار به ترک آن از اول فروردین ۱۳۱۵ش شروع شد. لیکن ریشه‌های این برنامه و ایده کشف حجاب به سال‌ها پیش برمی‌گردد، چنانکه در سال‌های ۱۳۰۶ش و ۱۳۰۷ش ملکه افغانستان، ترویج دکلته (لباس زنانه) و منع چادر نماز می‌کرد. از طرف دیگر، زنان طبقات بالا نیز زمینه فکری و زمینه تبلیغاتی آزادی زنان را با برگزاری "دومین کنگره زنان شرق" در ایران را در سال ۱۳۱۱ش مهیا کرده بودند. (آشنا، ۱۳۸۸، ص ۲۳۰)

البته ابهاماتی درباره معنی دقیق کشف حجاب در دوره پهلوی اول در تحقیقات صورت گرفته وجود دارد؛ در بخشی از منابع، کشف حجاب را به معنی امروزی یعنی بازکردن و نشان دادن سر و صورت و موی زن برداشت کرده‌اند. در حالی که بخشی از پژوهش‌ها و خاطرات و اسناد مربوط به آن دوره نشان می‌دهد که کشف حجاب در دوره رضاشاه بیشتر به معنای برداشتن "چادر" و "پیچه" بوده است. مخبرالسلطنه هدایت (نخست‌وزیر دوره پهلوی اول) به چادر و پوشیدن رو انتقاد کرده و آن را با حجابی که در شرع آمده، متفاوت دانسته است، هدایت نوشته است:

"بلی! پوشیدن رو طبیعی نیست حتی پوشیدن لباس طبیعی نیست تمدن آورده است چه بسیار مردم امروز هم برهنه می‌گردند آنها را وحشی می‌خوانیم. زنهای ما به نیمه راه وحشت رسیدند. چادر و چاقچور و روبند شرعی نبود حجابی که در شرع وارد است، خودداری از تظاهر و جلب نظر است، در مکه و مدینه روبند نیست نصف صورت باز است با جامه بلند عبا و چادر پرده‌ای بود بر سر صد عیب نهان". (مخبرالسلطنه، ۱۳۸۵، ص ۴۰۵)

رستم کلایی نیز معتقد است کشف حجاب در دوره رضاشاه بیشتر به معنای برداشتن پوشش صورت (حجاب) و چادر به سبک ایرانی (که پارچه بزرگی که سرپای زنان را می پوشانده‌اند و غالباً با همان چادر نیز رو می گرفته‌اند یعنی صورت را نیز می پوشانده‌اند) بوده تا بازکردن کامل سر (یعنی بدون روسری یا کلاه) این تفاوت در گزارش‌های تاریخی روشن نیست. (رستم کلایی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۹)

از لحاظ مفهومی و استخدام آن و بنابر اجرای اجباری این سیاست، برخی از نویسندگان مفهوم رفع حجاب یا منع حجاب را جایگزین کشف حجاب قرار داده‌اند، لذا معتقدند در دوره رضاشاه بیشتر رفع حجاب بود نه کشف حجاب، چون کشف حجاب آن است که بگویند از این بعد بی‌حجابی آزاد است و هرکسی که می‌خواهد می‌تواند بی‌حجاب باشد، اما سیاست رضاشاه این نبود. او سیاست منع و جلوگیری از حجاب را اجرا کرد و در زمان او زنان باید بی‌حجاب می‌شدند. از همین رو، پاسبان‌ها و آژان‌ها و مأموران امنیه، چادر و روسری از زنان می‌کشیدند و خشونت‌های بسیاری به خرج می‌دادند. (قلی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴)

در واقع اجرای کشف حجاب توسط دولت، یک اقدام سریع و ناگهانی نبود، بلکه برای طبیعی‌سازی آن، به‌طور تدریجی گام‌های مختلفی در این مورد برداشت؛ علاوه بر ترویج کشف حجاب توسط روشنفکران و شعرا، اولین اقدام دولت برای عادی‌سازی مسئله لباس زنان، به‌بخشنامه دولت به شهربانی تهران به‌سال ۱۳۰۶ش و قبل از ممنوعیت چادر و حجاب به‌طور رسمی برمی‌گردد، در محتوای آن بخشنامه آمده است که دولت حق ندارد مزاحم زنان بی‌حجاب شود، البته قبل از آن پلیس زنانی را که اینگونه لباس می‌پوشیدند بازداشت می‌کرد. گام دوم همان دیدار ملکه مادر در اسفندماه ۱۳۰۶ش از حرم حضرت معصومه در قم، بدون چادر مشکی و با چادر روشن و روی باز بود. گام سوم آن بود که در جامعه کشف حجاب را در میان معلمان، دانش‌آموزان و کارمندان دولت ترویج می‌دادند، البته مدارس نوپنیا دخترا، اولین مؤسسات عمومی بود که برنامه کشف حجاب به‌نحوی منظم‌تر در میان دختران آنجا اجرا شد. بعد از آن زنان آموزگار و دانش‌آموزان دختر در سال ۱۳۱۳ش، نخست داوطلبانه و سپس با دستور دولت، چادرهایشان را در مدرسه از سر برداشتند. (رستم کلایی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۶)

آنگونه که در اسناد وزارت داخله دی‌ماه ۱۳۱۴ش درباره مسئله رفع حجاب و تشویق دانش‌آموزان، آمده است که "روز پنج‌شنبه ۲۵دی‌ماه جاری بنابر دعوت اداره معارف، ساعت دو بعد از ظهر، تمام رؤساء و مأمورین دوائر دولتی به اتفاق خانم‌های خود بدون چادر در معارف حاضر، رئیس معارف نطقی مبنی بر محسنات برداشتن چادر ایراد و از طرف یک نفر از دوشیزگان مدرسه نسوان تربت هم خطابه‌ای دائر بر سپاسگزاری و تشکر از مرحوم ملوکانه ایراد می‌شود..." (زهیری، ۱۳۷۹، ص ۷۴)

وزارت آموزش و پرورش هم زنان بازرس را به مدارس می‌فرستاد تا محاسن بی‌حجابی را به شاگردان و معلمان تفهیم کنند، تا در نهایت گام‌های تدریجی دولت در جهت تغییر لباس زنان به اعلام رسمی کشف حجاب در ۱۷دی‌ماه ۱۳۱۴ش انجامید. در این تاریخ رضاشاه در مراسم فارغ‌التحصیلی یک مدرسه عالی دخترانه شرکت کرده و دستور داد که تمام زنان حاضر باید بدون حجاب باشند. (رستم کلایی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۶)

دولت برای اجرای این برنامه به هر اقدامی که لازم بود روی آورد؛ در آغاز و در برخی مناطق از طریق شهربانی‌ها شروع به اجرای برنامه کرد. در این راستا اگر کسی علیه کشف حجاب واکنشی نشان می‌داد یا باعث جلوگیری از اجرای برنامه می‌شد، تنبیه و دستگیر می‌شد، حتی علما و وعاظ نیز از این تهدید مستثنی نبودند، همانطور که طبق سند محرمانه وزارت داخله که به حکومت محلی ارسال گردیده آمده: "موضوع کشف حجاب باید از طرف حکومت و شهربانی تقویت شود بدون این که کسی را مجبور به کشف حجاب نمایند. اگر کسی از وعاظ یا غیره مخالفت یا اظهاراتی بر ضد بنماید، فوراً توسط شهربانی جلب و تنبیه شود." (زهیری، ۱۳۷۹، ص ۷۵) یحیی دولت‌آبادی در کتاب "حیات یحیی" دقیق‌تر اشاره کرده است که "تصدیق باید کرد که جز با قدرت و اراده محکم شاه پهلوی، رفع حجاب از ایران بسیار مشکل بود." (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱، ص ۴۰۹)

اجرای کشف حجاب همانطور که دولت برنامه‌ریزی کرده بود، اجرا نشد و جامعه پذیرای آن نبود. لذا دستگاه‌های اجرایی مانند پلیس شروع به دستگیری زنان باحجاب کرده و مردم را اجبار به پوشیدن "لباس

غربی" کردند. بیشتر مردم این امر را به سرکوب آزادی‌های فردی خودشان تلقی کردند تا اینکه آزادی برای زنان باشد. برای مثال در تبریز، پلیس ورود زنان با حجاب را در بازار قدغن، معلمان و کارمندانی دولتی را در مدارس اجبار به برداشتن حجاب کرد. در مقابل، مردم در برابر این رفتارهای دولت، واکنش‌های گوناگون نشان دادند و بخشی از کارمندان و معلمان مدارس ناچار به ترک شغل خود شدند. در مناطقی ورود زنان با حجاب به سینما و حمام‌های عمومی ممنوع شد و راننده‌های وسایل نقلیه نیز در حین سوارشدن زنان باحجاب، باید جریمه‌هایی در مقابل ورودشان پرداخت می‌کردند. حتی در بعضی بیمارستان‌ها به پزشکان اجازه داده نمی‌شد که زن‌های محجبه مریض را معاینه کنند. گاهی اوقات زنان با زدو خورد و شلاق‌های پلیس در ملاء عام مواجه می‌شدند. از طرف دیگر تجار هم تحت الشعاع مقررات اجرای کشف حجاب قرار گرفتند، آنان را مجبور می‌کردند فقط لباس‌های زنان بی‌حجاب را به کشور وارد کنند و از این طریق لباس‌های مخصوص زنان بی‌حجاب را تشویق و ترویج کنند. (زویید و محمد، ۲۰۰۹، ص ۱۹۱) در خراسان، "برسر بی‌حجابی غوغائی شد که به تحصن در اطراف بقعه متبرکه امام رضا(ع) کشید و از استعمال حره آتشین مضایقه نشد جمعی مقتول شدند اسدی متولی‌باشی بر سر آن کار، بر دار رفت و فروغی که رئیس الوزراء و با او منسوب بود، شاید در نتیجه...معزول شد ۱۳ آذر ۱۳۱۴ جم بجای او آمد". (مخبرالسلطنه، ۱۳۸۵، ص ۴۰۵)

در یک نگاه کلی می‌توان گفت برنامه کشف حجاب اگرچه موجب شد تا زن ایرانی از پرده بیرون آید، از طرف دیگر عواقب نامطلوب، نا امنی‌ها و واکنش‌های را به دنبال داشت. علاوه بر آن به دلیل آنکه طرح کشف حجاب برخورد مستقیمی با فرهنگ و اعتقادات سنتی جامعه داشت، از حساسیت‌های خاصی برخوردار بود. (صلاح، ۱۳۸۸، ص ۸۹)

لباس زنان گُرد

پیش از پراختن به چگونگی واکنش مناطق گُردنشین در مقابله با برنامه کشف حجاب، لازم است که در مورد لباس گُردی و نحوه پوشش آن به‌ویژه در میان زنان گُرد و همچنین نحوه حجاب آنها با رجوع به سفرنامه‌ها و مکتوبات مستشرقین مطالبی ارائه شود تا تصویری روشن درباره چگونگی پوشش، قبل از اجرای سیاست کشف حجاب در جامعه گُردنشین دوره پهلوی اول تصویر گردد.

واسیلی نیکیتین (۱۸۸۵-۱۹۶۰) دیپلمات و شرق‌شناس روسی که در دوران جنگ اول جهانی به عنوان کنسول روسیه در مناطق آذربایجان غربی و مناطق گُردنشین خدمت کرده بود، درباره لباس زنان گُرد در کتاب خود که در ۱۹۳۴م به چاپ رسیده، شرح مفصلی از لباس زنان کرد و موقعیت اجتماعی آنان در مقایسه با مردان ارائه می‌دهد. وی اشاره می‌کند که **"زنان کرد هرگز آشنایی با روبند بر رخسارشان ندارند"**. (نیکیتین، ۲۰۱۲، ص ۱۵۴ و ۱۶۱) در مورد چگونگی رابطه زنان کرد با مردان توضیح داده که زنان با مردان تخطُّط دارند و نظرات خود را آزادانه و با صراحت بیان می‌کنند و در عادت مردان گُرد نیست که برای آزادی زنان حدودی را تعیین کنند و در مواردی همانند ازدواج، دختر و پسر گُرد، قبل از آن باهم به گفتگو می‌نشینند. (همان، ص ۱۶۲)

پیتر دلاواله، جهانگرد ایتالیائی در قرن هفدهم، در مورد زنان گُرد نوشته است: **"زنهای آنان با سر و صورت باز حرکت می‌کنند و با مردهای خودی و بیگانه به‌طور آزاد به گفتگو می‌پردازند"**. (دلاواله، ۱۳۷۰، ص ۷) کنت دوسرسی، سفیر فوق‌العاده فرانسه، در یادداشت‌های خود، به سالهای ۱۸۳۹-۱۸۴۰م پس از آنکه به مراسم رقص کردی در روستایی از توابع ماکو اشاره می‌کند که در آن زنان و مردان دست در دست هم به جشن و پایکوبی مشغولند، در مورد زنان کرد می‌گوید: **"با این حال دیده می‌شود که زن‌های کرد با اینکه مسلمانند، مانند دیگر فرقه‌های اسلامی، در گوشه‌ای محبوس نیستند. حتی صورتشان دیده می‌شود"**. (دوسرسی، ۱۳۶۲، ص ۷۵-۷۶) سفرنامه‌ای از دو سیاح امریکایی و در سالهای بعد از مشروطه در دست است که در آن نیز به یک مراسم عروسی در منطقه‌ای از کردستان

اشاره شده و در مورد حجاب زنان گرد آمده است: "هرچند زنان گرد معمولاً لباس تیره می پوشند، اما صورت زیبای خود را چون زنان ایرانی زیر چادر و روبند حجاب اسلامی پنهان نمی کنند". (اف - ال برد و هارولد- اف وستون، ۱۳۷۶، ص ۱۶۳) اوژن اوبن، سفیر فرانسوی، در سفرنامه ی خود به سالهای ۱۹۰۶-۱۹۰۷ م و طی اقامتی در مناطق ساوجبلاغ همین نکته را یادآوری می کند که "زنان کرد هیچ وقت روی خود را نمی پوشانند". (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۱۱۰) در واقع بخشی از این فرهنگ عدم استفاده از روبند، به شیوه زندگی عشایر گرد و زنان آنها بر میگردد، به عبارت دیگر عادت زندگی کوه نشینی و زندگی در کوهستان، نقش زندگی در امرار معاش که بیشتر بر پایه دامداری بوده است. (آقابیک، ۱۳۹۲، ص ۱۳) همچنین اختلاط با مردان در پیشبرد کارها، اقتضاء می کرده است که زنان گرد، برای سهولت در کارهای روزانه، از روبند استفاده نکنند.

حتی درباره لباس قدیمی زنان کرد و تفاوت آن با لباس زنان مناطق دیگر، در گزارش وزارت داخله که از جانب حکومت سلدوز به تاریخ ۱۳۱۵/۲/۲۱ ش ارسال شده، آمده است که منطقه سلدوز یک چهارم دهات آن گردنشین و مابقی ایل قره پایاق می باشد، "کردهای دهات نشین، از اول چادر نداشته اند و لباس زنانه کردی دارند" در حالی که زنان قره پایاق همراه با لباس ایلی خود از چادر استفاده می کنند. در ادامه گزارش آمده است که چندبار دیگر هم گزارش شده که اقدامات برای تجدد لباس انجام گرفته است: "در مورد چارقد با نزاکت، عملی نخواهد شد" و رعایای گرد برداشتن چارقد را عملی قبیح می دانند. در این صورت اگر در مورد زنهای کرد سلدوز چارقدبرداری شود، "عموم کردهای سلدوز به این مناطق کردستان کوچ می کنند". (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۳۵۰)

این خصوصیت زنان کرد باعث شد که سیاست کشف حجاب آنچنان که دولت انتظار داشت، پیش نرفت یا دست کم در آن دوره توفیق آنچنانی به دست نیامد، چرا که لباس زنان کرد حالت متعادل و میانه‌ای داشت یعنی نه پوشش آن زیاد رعایت می شده و نه اینکه به شیوه غربی بی حجاب بوده‌اند. "لذا همین تعادل و پایبندی کردها به نوع لباس قدیمی و سنتی خود و پایبندی به مذهب هم عواملی بوده که

نگذاشته اند لباس زنان و حجاب کردی آنان دستخوش تغییرات اساسی بشود". (واهییم، ۱۳۸۱،

ص ۱۷۹-۱۸۰)

اجرای سیاست کشف حجاب در مناطق گردنشین به روایت اسناد

دولت بعد از سرکوبی نسبی عشایر و خلع سلاح و استقرار نیروهای نظامی در مناطق مختلف کشور به ویژه در مناطق گردنشین آذربایجان غربی، به تدریج به سوی اجرای برنامه‌های نوگرایانه فرهنگی توجه بیشتری کرد. دولت مرکزی در سال ۱۳۱۴ش نیز برنامه کشف حجاب برای زنان را صادر کرد. طبق آن امر، حجاب سنتی را برای زنان ممنوع نمود و این باعث نارضایتی مردم مناطق مختلف شد، برای مثال در تهران و قم علما بست نشستند و بازاریان دست به اعتصاب زدند. در مناطق گردنشین دولت برای اجرای کشف حجاب زنان از راهکارهای گوناگون استفاده می‌کرد، که می‌توان نمونه برجسته آنها را در اسناد مربوط به آن دوره در مناطق گردنشین دید، البته بنابر هدف تحقیق حاضر و توضیح راهکارهای دولت، مروری بر اسناد مناطق لازم باشد.

راهکارهای دولت برای اجرای کشف حجاب

۱. از طریق مذهب و روحانیون

یکی از راهکارها برای اجرای این سیاست فرهنگی، بهره‌بردن و متنفدین دولتی از مجتهدان و علما در برخی از موارد بود. مأمورین دولتی برای کسب نظر و رضایت مردم از اعتقادهای مذهبی نیز بهره می‌بردند، چنانکه راضی نمودن خوانین "بیگزاده" توسط مأمورین منطقه در مقایسه با خوانین مناطق دیگر کار آسانی نبود. در گزارشی به تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۹ش آمده است که رفع حجاب زنان و شهرنشین کردن روستاییان همچنان نگرانی خوانین بیگزاده را در بردارد و مأمورین برای اقناع آنها دلیل اسلامی آورده اند که "رفع حجاب بر خلاف امر پیغمبر اکرم نیست" و سکونت در روستا هم خوانین را "تحقیر و کوچک" می‌کند. (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶-۱۰۷)

مسئولان دولت در تلاش بودند تا بدون اعمال خشونت کشف حجاب و تغییر در پوشش لباس زنان را اجرا کنند. بنابر گزارشی در تاریخ ۱۳۱۵/۲/۲۹ ش؛ "شمس الدین پورداد" واعظ معروف رضائیه در حالی که جمع زیادی از زنان و مردان در مسجد شهر شرکت کرده بودند، به بیاناتی در خصوص "محسنات ساده پوشی بانوان و تحسین از پیشرفتهای دوره اخیر که تحت توجهات رضاشاه در ایران ایجاد شده و تکذیب از اخلاق فاسد گذشته می نمایند". که براساس گزارش این سخنان تاثیر زیادی بر مردم داشته است. (سازمان اسناد ملی ایران، خشونت و فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۴۲)

در برخی موارد، برخی از علما مذهبی و زنان از پوشیدن لباس جدید خودداری و هزینه لباس جدید و فقر را بهانه می کردند، مسئولین برای پیشگیری از این موارد، راهکارهایی مانند تهیه مجانی لباس توسط موقوفات و معارف و غیره را پیشنهاد می کردند. برای مثال در تاریخ ۱۳۱۵/۳/۱۲ ش؛ طبق گزارشی از "ایالت غربی آذربایجان" به وزارت داخله، عده کمی هم که هنوز تغییر لباس نداده اند، دلیل آن فقر مالی و عدم توانایی تهیه لباس های جدید است. در این گزارش پیشنهاد شده که مبلغی را از محل عشر ونیم اوقاف ایالتی و از طریق تصویب نامه ای خرج کرده و اداره معارف به وسیله متولی ها از محل موقوفات و خیریه مقداری لباس و کلاه زنانه برای افراد بی بضاعت تهیه کند. (همان، ص ۴۳) در گزارش دیگری از طرف ایالت غربی آذربایجان اشاره شده که تغییر لباس زنان پیشرفت زیادی کرده و کمتر کسی با چارقد دیده می شود و کسانی هم که چارقد می پوشند، دلیل آن بی بضاعتی و فقر آنها می باشد. در این گزارش آمده است که وزارت معارف با پیشنهاد تهیه لباس مجانی برای اشخاص بی بضاعت موافقت نکرده، با وجود این ایالت غربی به این نکته اشاره می کند که "در ایالات غربی اشخاص متمول در اثر انقلابات گذشته باقی نمانده و اگر هستند خود را در ظاهر بی بضاعت معرفی می نمایند". به همین دلیل بهترین راه برای اجرای قانون لباس متجدد، تهیه لباس از طریق خیریه و موقوفات می باشد. (همان، ص ۴۴-۴۵)

در نهایت درباره کشف حجاب، بعضی از دولتمردان به این نتیجه رسیدند که اجرای فوری آن برای زنان برخی از مناطق آسان نیست. در گزارش محرمانه ای به نخست وزیر در مورد اعمال کشف حجاب در منطقه

فردوس آمده است "چون مسئله چادر و حجاب مدت‌ها است که عادت مردم بوده، اعتیاد به غیر آن هم البته وقت و هم زمان لازم دارد". (زهیری، ۱۳۷۹، ص ۸۲)

۲. نقش آموزش و پرورش در کشف حجاب

از راهکارهای دیگر اجرای برنامه کشف حجاب و تغییر لباس، استفاده از کانون‌های تربیتی معارف و زنان بود، دولت در همه مناطق برای ترویج کشف حجاب از مدارس و معلمان زن استفاده می‌کرد تا از آن راه دختران را مجاب به کشف حجاب کند. طبق سندی از حکومت "کرمانشاه" در تاریخ ۱۳۱۴/۸/۲۴ ش آمده که در اثر تشویق و اقداماتی که صورت گرفته، شش نفر از مدیران و معلمه‌های مدارس زنانه و عده‌ای زیادی از دختران مدارس چادر برداشته و کلاه گذاشته‌اند. (سازمان اسناد ملی ایران، خشونت و فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۲۳۷) در تلگراف رئیس معارف کرمانشاه در تاریخ ۱۳۱۴/۹/۲ ش گزارش کرده که بر اثر تشویقات صورت گرفته، ۱۴ نفر (دو ثلث) از مدیران و آموزگاران مدارس دولتی و چند نفر از مدارس ملی رسماً رفع حجاب کرده‌اند. یک چهارم دختران بدون چادر هستند و عده آنها رو به فزونی است. در همان راستا، در گزارش اداره معارف و اوقاف کرمانشاه در تاریخ ۱۳۱۴/۹/۱۰ ش، در خصوص اجرای قانون کشف حجاب و اقدامات لازم آمده که "نباید به هیچ وجه فشار و اجبار در کار باشد، بلکه تنها به وسیله نصیحت باید معلمان و محصلات را به طریق صواب هدایت کرد". همچنان بنابر گزارش اداره آموزش کرمانشاه در مدت کمتر از یک ماه، بر اثر تشویق معلمان مدارس، تقریباً اکثر دختران و کارکنان مدارس کشف حجاب کرده‌اند، در گزارش اداره معارف و اوقاف کرمانشاه در تاریخ ۱۳۱۴/۹/۱۸ آمده که عموم کارکنان دبستان‌ها و دبیرستان‌های دخترانه و عموم محصلات جز عده کمی ترک چادر و رفع حجاب کرده‌اند. همچنان آمده که "یقین حاصل است تا ده روز دیگر محصله‌ای با چادر در مدارس دولتی یافت نخواهد شد، این عمل در دبستانهای ملی هم شروع شده است". (همان، ص ۲۳۸ و ۲۳۹)

بدین سان بعد از تلاش‌های مسئولین و فشارهایی که برای کشف حجاب در پیش گرفتند، در همان سال گزارش‌هایی در مورد فعالیت‌های خود تهیه و به دولت ارسال می‌شود. برای مثال در تاریخ

۱۳۱۴/۱۲/۱۵ ش حکومت کرمانشاه طی تلگراف به دولت مرکزی در تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۱۸ ش تصریح داشته که "پیشرفت نهضت نسوان در کرمانشاهان خاتمه و کامل است. امروز می توانم عرض کنم صدی نود، بانوان رفع حجاب کرده‌اند، دیگر چادر سیاه دیده نمی‌شود". همچنین حکومت کرمانشاه در تلگراف دیگری نوشته که "جهت اطلاع به عرض می رساند که با جدیتی که شد وضعیت نهضت نسوان خیلی خوب و به طوری پیشرفت کرد که دیگر یک نفر چادری نیست". بعد از ارسال این دست تلگراف‌ها از طرف حکومت کرمانشاه و وزارت معارف و اوقاف کرمانشاه، طبق گزارشی در ۱۳۱۵/۲/۹ ش، از طرف حکومت مرکزی، یک هیئت بازرسی (تفتیش) به ریاست تیمسار سرتیپ رحیمی به مناطق غرب ایران و کرمانشاه جهت اطلاع از چگونگی اجرای سیاستهای تجدد و صحت اخبار مبنی بر اینکه نهضت بانوان از طرف حاکم کرمانشاه با جدیت پیگیری نمی‌شود، اعزام گردید. در تاریخ ۱۳۱۵/۲/۱۳ ش سرتیپ رحیمی در گزارشی خطاب به ریاست وزراء درباره فعالیت‌های هیئت بازرسی خود در کرمانشاه نوشته که "در مدت دوازده روز اقامت هیئت تفتیشیه در کرمانشاهان، زن با چادر کمتر دیده شده، بیشتر رفع حجاب کرده بودند". (همان، ص ۲۴۶-۲۴۸)

علیرغم این پیشرفتها، براساس گزارشهای دیگری اجرای کشف حجاب اهداف دولت را برآورده نکرده، یا اینکه مردم بر اثر فشار کشف حجاب کرده‌بودند. در ۱۳۱۵/۳/۱۱ ش و بعد از یک ماه از گزارش هیئت بازرسی و اعلام آنکه کشف حجاب با موفقیت در کرمانشاه انجام شده، در گزارش متحدالمال حکومت کرمانشاه درباره اجرای کشف حجاب در کرمانشاه آمده است که "مقصود از نهضت بانوان در کشور فقط این نبوده است که رفع حجاب نمایند، زیرا در کشور ایران روگرفتن از عادات زشت شهرنشینان بوده و اهالی قراء و قصابات به هیچ وجه چنین عادتی نداشته اند" برای همین بر حکومت لازم است "که لباس از اشکال مختلفه بیرون آمده و به شکل بانوان متمدن دنیا درآیند". به صورتی که باید لباس بلند و ساده و کلاههای سبک وزن بپوشند و پیشنهاد شده که مردم را نصیحت بکنند که از استعمال پارچه خارجی و تجملات اجتناب بکنند و "لباسهای فعلی آنها نباید شبیه به لباسهای ایلپاتی باشد".

همچنین در تاریخ ۱۳۱۵/۳/۲۱ ش، تلگراف حکومت کرمانشاه آمده که مأمورین باید در کوچه و خیابانها بازرسی به عمل بیاورند و "اگر بانوئی با چارقد دیده شود، شدیداً مؤاخذه و ممنوع دارند". در آذربایجان غربی و شهر رضائیه نیز بر اساس گزارشی به تاریخ ۱۳۱۵/۱/۱۱ ش، قسمت تربیت تجدد بانوان از طرف شهربانی تلاشهای فراوانی صورت گرفته و پیشرفت‌های چشمگیری داشته است، به طوری که حتی در محلات دور دست کمتر زنی با چادر دیده می شود. در آن شهر هم همانند مناطق دیگر مراسم برای رؤسای ادارات، اعیان و تجار ترتیب داده شده و سخنرانی در مورد تجدد زنان صورت گرفته است. (همان، ص ۲۴۹ و ۴۲)

با این همه وضعیت کشف حجاب در ارومیه پیشرفت مدنظر دولت را نداشته است و این مسئله در نامه وزیر داخله به نخست وزیری در فروردین ۱۳۱۵ مشهود است که نهضت بانوان در ایالات غربی پیشرفت نکرده است و نخست وزیر در جواب نامه درخواست تحقیقات فوری و گزارش ماحصل آن را کرده است. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص. ۳۵۱-۳۵۲)

۳. نقش مدیران دولتی و خانواده‌های آنان در ترویج کشف حجاب

بنابر اسناد موجود، دولت از طریق وزارتخانه‌ها و مسئولین دولتی خواستار اجرای سیاست‌های فرهنگی و به خصوص اجرای سیاست کشف حجاب بوده است. دولت در آغاز دستورالعمل‌هایی را در این مورد به مسئولین مناطق کردنشین ارسال نموده تا موضوع کشف حجاب و لباس متجدد را در جامعه و مؤسسات ترویج دهند و حکومت و شهربانی در راستای تقویت اجرای این برنامه فرهنگی دولت بکوشند. البته متذکر شده که از اعمال خشونت پرهیز کنند، اما در عین حال به آنها هشدار داده شود که اگر کسی از جمله وعاظ و روحانیون علناً اظهار مخالفت و تشویق مردم برای عدم پایبندی به اجرای کشف حجاب را ابراز دارد، باید توسط شهربانی تنبیه و جلب شود.

دولت برای عادی سازی موضوع کشف حجاب همانند مناطق دیگر ایران، برآن بود که در مناطق کردنشین نیز باید نخست مسئولین دولت مانند رئیس شهربانی، افسران و رئیس معارف و خانواده‌های آنان کشف حجاب و تغییر لباس دهند و در مراسم عمومی شرکت کنند و بدون حجاب و با لباس متجدد ظاهر

شوند. همانطور که در گزارش حکومت "سنندج" مربوط به کشف حجاب در ۱۳۱۴/۹/۲۰ ش و در تلگرافی به نخست وزیر آمده که والی کردستان یکی از راههای مؤثر برای اجرای قانون متحدالشکل و کشف حجاب را حضور او و یکی از نزدیکان رئیس شهربانی و همسرانشان در یک مراسم عروسی در آن شهر با لباس‌های جدید و بدون حجاب می‌داند که تاثیر زیادی بر مأمورین و غیره داشته است. همچنین اشاره کرده که افسران با همسرانشان در لباس جدید برای تبریک‌گویی به کانون بانوان رفته‌اند و همسر رئیس شهربانی و همسر رئیس معارف بدون حجاب به میان انظار مردم رفته‌اند، که این امر بر اهالی شهر تأثیر فراوانی داشته است. (سازمان اسناد ملی ایران، خشونت و فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۲۲۹ و ۲۴۰). حکومت کردستان اجرای قانون متحدالشکل و تغییر لباس را به این شیوه و به صورت تدریجی پیش می‌برد و برای اجرای بهتر این برنامه به خانواده‌های سرشناس نیز روی آورد، در نامه ای به تاریخ ۱۳۱۴/۱۰/۱۱ ش، اشاره به اسامی برخی از خاندان‌های سنندج شده که تغییر لباس کرده و به دستورات برنامه دولت در این راستا پایبند بوده‌اند. طبق نامه والی کردستان به نخست وزیر اشاره شده که جمع کثیری از خوانین خانواده‌های "وزیری، معتمدی، وکیلی، حبیبی، سنندجی و اردلان" لباسهای جدید فرهنگی را بر تن کرده و در امر نهضت زنان هم به جدیت مشغول هستند. (همان، ص ۲۳۰)

در کرمانشاه سپاهیان و فرماندهان ارتش نیز در اجرای برنامه کشف حجاب نقش خود را ایفا کرده بودند؛ در گزارشی از کفیل فرماندهی تیپ کرمانشاه به ستاد ارتش در تاریخ ۱۳۱۴/۱۰/۳۰ ش آمده که اقدامات غیر مستقیمی برای ترویج کشف حجاب از طریق رفع حجاب خانواده‌های افسران، استواران و گروهبانه‌های شهر ترتیب داده و مجالس مهمانی و شروع تبلیغات در سطح شهر انجام گرفته است که باعث شده قسم مهمی از افراد طراز اول شهر از خانمهای خود رفع حجاب کنند. برگزاری کنفرانسی برای هفتصد نفر جهت پیشرفت نهضت زنان نیز در این راستا بوده است. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۱۹۹)

در منطقه "گروس" حاکم آنجا به همراه همسر خود در صدد ترویج برنامه کشف حجاب بوده و درباره مفاسد حجاب سخنرانی کرده‌اند، علاوه بر حضور علمای مذهبی شهر، ۴۰۰ نفر زن بدون حجاب نیز در آن مراسم حاضر بودند. طبق تلگرافی به تاریخ ۱۳۱۴/۱۰/۱۳ ش که به تهران ارسال شده است، حاکم گروس در روز عید رمضان در حضور طبقات مردم شهر و حتی علمای شهر به مفاسد حجاب و محسنات رفع آن پرداخته و بعد از نطق همسر حاکم گروس، عده کمی که چادر بر سر داشتند، چادرها را برداشته و به شادی پرداختند. (سازمان اسناد ملی ایران، خشونت و فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۴۶)

در کرمانشاه ابتدا دولت برای اجرای کشف حجاب از مسئولین منطقه خواسته تا با زنان خود و با لباس جدید در ملاء عام ظاهر شده و در مجالس و جشن‌ها شرکت کنند. در همان سال حکومت کرمانشاه، طبق گزارشی در تاریخ ۱۳۱۴/۸/۱۷ ش آورده است که تصمیم دارد که مدیران ادارات دولتی را با همسرانشان و بدون حجاب به منزل خود دعوت کند و همسر او بدون حجاب از آنها پذیرایی کند تا بدین وسیله مردم تدریجاً ترغیب به رفع حجاب بشوند. در گزارشی دیگر مربوط به اقدامات حکومت کرمانشاه در تاریخ ۱۳۱۴/۱۰/۹ ش آمده که حاکم شهر همراه با همسر خود و همسر و دختران رؤسای دولت بدون چادر و حجاب به میدان شهر رفته و از آنجا به طاق بستان رفته اند که اقدام مؤثری در تبلیغ این قانون می باشد. همچنان در تاریخ ۱۳۱۴/۱۰/۱۶ ش در گزارشی آمده که حکومت کرمانشاه ۵۰ نفر از اعیان، دولتشاهی‌ها، رئیس اطاق تجارت، رئیس انجمن بلدیه و پزشک‌ها را با همسران خود بدون چادر به عمارت حکومتی دعوت کرده و سپس برای گردش در شهر حرکت کرده و شب به سینما رفتند. همچنین درباره چگونگی و اجرای برنامه توسط مأمورین دولتی در تاریخ ۱۳۱۵/۴/۶ ش، حاکم کرمانشاه به رئیس وزراء تلگرافی ارسال می کند و آنجا در مورد دستور "برداشتن چارقد و ملافهای سر بانوان"، توضیح داده شده است که "زنها بنا بر عادت هنوز سرهای خود را گردی می بندند". از همین رو حکومت کرمانشاه بر اساس دستور جدید به تاریخ ۱۳۱۵/۳/۱۵ ش، بستن عمامه و سرهای پیچیده و چارقد ممنوع شده است و اگر در جایی هنوز دیده می - شوند، به دلیل کمبود نیروی لازم از ماموران می باشد. همچنین به مالکین دستور داده شده که زنان روستا باید از کلاه‌های جدید استفاده کنند. (همان، ص ۲۳۷-۲۵۰)

در آذربایجان، دولت درصدد آن بود که اجرای برنامه از طریق مسئولان منطقه و مؤسسات دولتی پیگیری شود؛ طبق گزارش کفیل آذربایجان غربی به وزارت کشور در تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۵ ش، حاکی از پیشرفت قانون لباس متحدالشکل و نهضت زنان در این استان و شهر رضائیه است. در رضائیه مجلس با شکوهی از طرف کانون بانوان تشکیل شده و در شهر ماکو، همسر اقبال السلطنه، عده‌ای از خوانین و خواتین را به منزل خود دعوت کرده و آقا محسن مجتهد که خود به لباس جدید در آمده، همراه با همسر خود شرکت کرده و در آنجا سخنانی را در خصوص محسنات رفع حجاب ارائه داده است. در ساوجبلاغ کنفرانسی ترتیب داده شده و در خوی یک صد نفر از خواتین که هشت نفر آنها از زنان طبقات بالا بوده‌اند، در مراسمی شرکت کرده و بعد از آن در خیابانها گردش نموده‌اند. (همان، ص ۴۱) همچنین بر حسب گزارش حکومت باوندپور در تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۸، برای اجرای قانون تجدد زنان در قصرشیرین، کردند و شاه آباد، ابتدا بانوان ادارات از طریق برگزاری مراسم و جشن‌هایی شروع به کشف حجاب کردند و سپس بانوان تجار و کسبه نیز در پی آن اقدام نمودند. در تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۱۷ در گزارش حکومت کرمانشاه آمده که "اشخاصی که در دعوت‌ها حاضر نشده بودند، به وسیله شهربانی احضار و قرار شد هر یک جمعی از محترمین را به خانه آنان دعوت نمایند و در این هفته این دعوت‌ها نیز به طور مطلوب و مرتب جریان دارد". (سازمان اسناد ملی ایران، خشونت و فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۲۴۰ و ۲۴۶)

با وجود همه این راهکارها، پیشرفت اجرای کشف حجاب در بعضی مناطق برای مسئولین راضی کننده نبود. برای مثال در ارومیه و براساس گزارشی که به بهمن ۱۳۱۷ برمی‌گردد، خبر از عدم پیشرفت سیاست کشف حجاب در این شهر دارد. در این گزارش که به دفتر مخصوص شاهنشاهی و از طرف "عبدالله مستوفی"، استاندار رضائیه ارسال شده، وضع حجاب شهر را رضایت بخش نمی‌داند "در شهربانی این استان غیر از شاگردان مدارس و خانم‌های رؤسا و اعضای ادارات و مسیحی‌ها هر زنی که در کوچه دیده می‌شود، روسری دارد و چانه و صورت خود را پوشیده است". (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۴۱۰)

۴. نقش عشایر و خوانین در اجرا کشف حجاب

در مورد نقش "خوانین و عشایر" منطقه در مقابله و اجرای کشف حجاب گزارش‌های وجود دارد؛ بر اساس سندی به تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۲ که رئیس انتظامات عشایری در بازدیدی که به روستاهای "ساوجبلاغ" جهت چگونگی اجرای کشف حجاب داشته، تهیه کرده است، به یک مشکل اصلی بر سر راه اجرای این سیاست اشاره کرده است که به نظر خوانین و اربابان منطقه، اجرای فوری کشف حجاب برای زنان این مناطق، کار آسان و قابل قبولی نیست و به زمان بیشتری نیاز دارد. رئیس انتظامات به این نکته اشاره کرده که نزد خوانین بیگزاده و برای اقناع آنان بحث قرآن پیش کشیده شده است: "در کجای قرآن راجع به حجاب زن آیه‌ای هست طوری که پیامبر اکرم امر فرموده اند در موقع نماز صورت و دست‌ها باز باشد، حالیه هم همانطور است". در این گزارش و از زبان حاج بابا شیخ سواره آمده است که برای "مردمان وحشی" این مناطق که هنوز خلع سلاح نشده‌اند، عملی کردن کشف حجاب کار آسانی نیست و این افراد باید ابتدا به شهر بروند و به تدریج این قانون بر آنها "تحمیل" شود. همچنین نویسنده گزارش در ادامه و نزد شخص دیگری به نام امیر اسعد به این نکته اشاره کرده است از آنجا که "خانم‌های شما اصلاً صاحب حجاب نبوده‌اند"، انتظار می‌رود که در اجرای این قانون پیشقدم باشند. برای تأکید بیشتر در مورد نگرانی خوانین در گزارش دیگری در تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۴ ش از طرف لشکر رضائیه آمده است که مسئله کشف حجاب و شهرنشینی روستائیان هنوز در بین خوانین بیگزاده‌ها مایه نگرانی آنها شده، ولی با وجود این طبق گزارش، مقاومت‌ها جای نگرانی نبوده و حتی در میان خوانین منگور و طوایف سرحدی خانه (پیرانشهر) و گردهای شاهپور جشن‌هایی بدین منظور برپا شده است. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۲۴۱-۲۴۶ و ۲۵۳)

۵. اعمال خشونت در اجرای کشف حجاب

اجرای سیاست کشف حجاب در همه مناطق بدون خشونت اجرا نشد و دولت برای اجرای آن از دستگاه‌های گوناگون خود استفاده می‌کرد. در گزارش محرمانه‌ای از وزارت جنگ در مورد چگونگی اجرای

قانون کشف حجاب که در تاریخ ۱۳۱۴/۳/۲۴ ش صادر شده، آمده است که اگرچه در آغاز زنان کرمانشاه از نهضت زنان و کشف حجاب استقبال خوبی کرده‌اند، اما پس از مدتی و به دلیل عدم مراقبت و مدیریت لازم مأموران شهری، این رویه ادامه پیدا نکرده و صورت "مضحکی" به خود گرفته است. زنان برای آنکه کشف حجاب آنها واضح و نمایان نباشد، از روسری های معروضه و چارقد برای پوشانیدن سر و صورت خود استفاده می‌کنند. وزارت جنگ از وزارت کشور و اداره شهربانی درخواست می‌کند که دستورات لازم را صادرکنند که استعمال چارقد ممنوع و به این رویه پایان داده شود. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۳۶۳)

بر اساس گزارشی به تاریخ ۱۳۱۵/۱/۱۵ ش، براساس فشارهای نایب الحکومه منطقه "سردشت" برای تغییر لباس زنان، زمزمه های مهاجرت و طغیان مردمان سردشت به گوش می‌رسد و با پشدریها رابطه برقرار کرده و آنها هم قول همکاری در وقت لازم را داده‌اند. در دو گزارش، سرتیب میمند به تاریخ ۱۳۱۵/۱/۱۷ ش به انتقاد از نایب الحکومه سردشت پرداخته که به علت "بی تجربگی" در موضوع کشف حجاب و عدم آشنایی با سیاست مناطق مرزی، دخالت های بی مورد را انجام داده و موانعی را ایجاد کرده است. از همین رو درخواست کرده که نایب الحکومه های مناطق مرزی کلیه امور را با رؤسای ساخلو و لشکر هماهنگی کنند و نایب الحکومه سردشت را با سقز و نایب الحکومه بانه را با سردشت و نایب الحکومه سقز را با بانه تعویض کنند. بر اثر این گزارش و گزارش های همانند آن، چندین فرماندار و شهردار این مناطق تعویض یا منفصل شدند. همچنین سرلشکر ضرغامی در همین برهه زمانی و در گزارشی از نایب الحکومه های مناطق مرزی خواسته که در اجرای قوانین، "خودسرانه" عمل نکنند و امور را با رؤسای ساخلو لشکر هماهنگ کنند. (همان، ص ۳۳۴-۳۴۷)

اگرچه براساس برخی از اسناد، دولت تأکید بر عدم اعمال خشونت می‌کرد، اما این بدان معنی نبود که خشونت و اجباری در کار نباشد، همانطور که در سندج بر اساس بخشنامه محرمانه‌ای به تاریخ ۱۳۱۴/۹/۱۸ ش از طرف وزارت داخله به حکومت های "عراق، همدان، گروس، ملایر، کرمانشاه، سندج و

گلیایگان" دستور داده شده که موضوع کشف حجاب باید از طرف حکومت‌ها و شهربانی‌ها تقویت شود و اگر کسی با این مسئله مخالفت نمود، تنبیه بشود. (زهیری، ۱۳۷۹، ص ۷۵)

نتیجه‌گیری

برنامه کشف حجاب هیچگاه آنگونه که دولت برنامه ریزی کرده بود، اجرا نگردید؛ اما همانگونه که در اسناد بسیاری به آن اشاره شده است، مسئولان دولتی برای اطاعت از اوامر رضاشاه و دولت، وانمود می‌کردند که کشف حجاب آنچنان که دولت می‌خواهد اجرا شده است. در نتیجه‌ی بررسی و تحلیل اسناد، خاطرات، مطبوعات و متون تاریخی معاصر مربوط به کشف حجاب که در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفتند، نتایج زیر به دست آمد:

۱. دولت برای اجرای سیاست‌های فرهنگی به خصوص سیاست کشف حجاب از موارد ذیل بهره می‌برد: برگزاری مجالس سخنرانی و جشن‌ها با حضور مسئولین منطقه‌ای و دولتی، استفاده از مسئولین و اجرای سیاست کشف حجاب توسط زنان قبل از مردم عامه، استفاده از ادارات آموزش و پرورش به‌خصوص معلمان زن و دختران دانش‌آموز و کارکنان معارف و تأسیس مدارس مختلط، آماده‌سازی افکار عمومی از طریق روشنفکران و علمای مذهبی و مطبوعات و توجه به آزادی بانوان، استفاده از شخصیت‌ها و جایگاه اجتماعی علمای مذهبی و فتاوی آنها برای عادی‌سازی کشف حجاب، استفاده از اوقاف و بودجه معارف برای خرید لباس زنانه برای اشخاص و قشرهای مردمی تا خرید لباس را بهانه نکنند و در نهایت اگر در جایی این سازوکارها جوابگو نبود، دولت در برخی مناطق از طریق سرکوب و اعمال خشونت برنامه‌های خود را اجرا کرده است.

۲. در برخی از مناطق کردنشین همانند کرمانشاه، در یک واکنش تدافعی در مقابل اجباری شدن کشف حجاب، زنان به شیوه‌های دیگری چون چارقد، شال، عمامه و ملافه‌هایی برای پوشش سر و روی خود پناه می‌بردند که از یک طرف از تعرض مأموران دولتی جلوگیری کرده و از طرفی دیگر کاملاً کشف حجاب نشده باشند. اگرچه که خود این اقدام نیز با واکنش تند مأموران مواجه شد و دولت طی دستوراتی استعمال هرگونه حجابی را که مغایر با پوشش غربی باشد، ممنوع اعلام کرد.

۳. در مورد سیاست دولت مرکزی در اجرای برنامه کشف حجاب می‌توان گفت که کشف حجاب اگرچه در مناطق کردنشین همانند مناطق دیگر با توسل به زور و خشونت اجرا گردید، اما از یک طرف شدت اعمال خشونت‌ها کمتر از خیلی مناطق دیگر ایران بود و از طرفی دیگر مخالفت‌های جدی و واکنش‌های عملی قابل ملاحظه‌ای از جانب مردم این مناطق را در پی نداشت. دلیل این وضعیت به پوشش خاص زنان کرد در مقایسه با زنان مناطق دیگر ایران برمی‌گشت، بر اساس آنچه که در خاطرات و سفرنامه‌های سیاحان و مستشرقینی که به این مناطق آمده‌اند، ذکر شده، زنان کرد بر اساس فرهنگ خاص این مناطق قبل از قانون کشف حجاب هم کاملاً مقید به داشتن حجاب و استفاده از چادر در بیرون از خانه نبوده‌اند و همپای مردان در امور کار و اشتغال جامعه شهر و روستا شرکت می‌کرد. همین مسئله مهم باعث شد که پذیرش کشف حجاب و لباس جدید برای این زنان - علیرغم همه مقاومت‌ها - در مقایسه با مناطق دیگر ایران آسانتر و عادی‌تر شکل بگیرد.

منابع و مأخذ منابع و مأخذ

- ۱) آشنا، حسام‌الدین. ۱۳۸۸. از سیاست تا فرهنگ (سیاست‌های فرهنگی دولت در ایران ۱۳۲۰-۱۳۰۴). تهران: انتشارات سروش.
- ۲) اف-ال برد و هارولد-اف وستون. ۱۳۷۶. گشت و گذاری در ایران بعد از انقلاب مشروطیت. ترجمه علی اصغر مظهری کرمانی. تهران: انتشارات جانان.
- ۳) اوپن، اوژن. ۱۳۶۲. ایران امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷). ترجمه، حواشی و توضیحات علی اصغر سعیدی. تهران: انتشارات نقش جهان.
- ۴) دلاواله، پیتر. ۱۳۷۰. سفرنامه پیتر و دلاواله قسمت مربوط به ایران. تهران: نشر علمی فرهنگی.
- ۵) دوسرسی، کنت. ۱۳۶۲. ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰م (۱۲۵۵-۱۲۵۶هـ.ق). تهران: نشر دانشگاهی.
- ۶) دولت‌آبادی، یحیی. ۱۳۶۱. حیات یحیی. جلد ۲، تهران: انتشارات ابن سینا.
- ۷) رستم کلایی، یاسمین. ۱۳۸۹. برنامه گسترده برای زنان ایران نو/ قانون خانواده، کار و کشف حجاب. در کتاب: استفانی کرونین و دیگران. ترجمه مرتضی ثاقب فر. رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین. تهران: انتشارات جامی.
- ۸) شهبایی، هوشنگ. ۱۳۸۹. ممنوعیت حجاب و پیامدهای آن. در کتاب: استفانی کرونین و دیگران. ترجمه مرتضی ثاقب فر. رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین. تهران: انتشارات جامی.

- ۹) شهریار، سید محمد حسین. ۱۳۴۲. شهریار. جلد ۱. تهران: کتابفروشی خیام.
- ۱۰) صابر، فرح. ۲۰۱۳. رضا شاه بهلوی التطورات السياسيه في ايران ۱۹۱۸-۱۹۳۹. السليمانية : مركز كردستان للدراسات الاستراتيجيه.
- ۱۱) صلاح، مهدی. ۱۳۸۸. کشف حجاب (زمینه ها، پیامدها و واکنش ها). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- ۱۲) مخبرالسلطنه، مهدیقلی هدایت. ۱۳۸۵. خاطرات و خطرات. تهران: زوار.
- ۱۳) میرزا، ایرج. ۱۳۵۶. ایرج میرزا. به اهتمام محمد جعفر محبوب. تهران: شرکت چاپ افست گلشن.
- ۱۴) نیکیتین، باسیلی. ۲۰۱۲. الکرد دراسه سوسیولوجیه و تاریخیه. ترجمه: نوری طالبانی. اربیل : موسسه الاکادیمیه الکردیه.
- ۱۵) واهیم، جلال. ۱۳۸۱. اوضاع فرهنگی کردستان در دوره قاجار و رضاشاه (با تاکید بر حوزه کردستان مکرری و اردلان)، استاد راهنما: ناصر تکمیل همایون، پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات تاریخی (پژوهشکده تاریخ).

مقالات علمی:

- ۱۶) اسحاقیان فاطمه، ۱۳۹۶. "تأثیرات فکری متجددان عرب بر ایرانیان در جریان کشف حجاب". در: مجموعه مقالات همایش ملی قیام گوهرشاد. گردآورنده هادی و کیلی. تهران: جلد اول.
- ۱۷) آقایی، فرامرز. ۱۳۹۲. "پوشاک زنان کرد ایران در سفرنامه‌های دوره صفوی تا پایان پهلوی شماره". سال دوازدهم، شماره ۲۳، بهار و تابستان سال دوازدهم، مجله مطالعات ایرانی.
- ۱۸) زوید و محمد، احمد یونس و نعیم جاسم. ۲۰۰۹. "أوضاع المرأة الإيرانية في ظل إصلاحات رضا شاه بهلوی و موقف المؤسسة الدينية (۱۹۲۵-۱۹۴۱)". مجلة آداب البصره. العدد ۴۹.
- ۱۹) قلی زاده، محرم. ۱۳۹۱. "بازکاوی ریشه های تئوریک سیاست های فرهنگی حکومت رضاشاه در اندیشه روشنفکران بومی". تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، زمستان، فصلنامه مطالعات تاریخی (ویژه نامه رضاخان)، شماره ۳۹.

نشریات:

- ۲۰) الزمان. ۱۹۲۷. النساء الايرانيات. بغداد : بی نا، ۱۵ آب، الزمان، العدد ۱۰.
- ۲۱) تقدّم. ۱۳۰۶. آیا نهضت ترکیه دوام خواهد کرد؟. مکان نشر نامشخص: چاپخانه خاور، شهرپور، مجله تقدّم، شماره اول سال اول.
- ۲۲) شهریار، محمد حسین. ۱۳۰۷. دم بزن ای زن. همدان : ۲۰ آذرماه، گلگون، شماره ۴۹ سال اول.
- ۲۳) گلگون. ۱۳۰۷. نطق علیا حضرت ملکه ثریا. همدان: بی نا، ۲۴ خرداد ۱۳۰۷، روزنامه گلگون، شماره ۱۹ سال اول.

کتاب‌های اسنادی:

- ۲۴) مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. ۱۳۷۸. **تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شماره سند ۷۵، کفیل فرماندهی تیپ کرمانشاه، به تاریخ ۱۳۱۴/۱۰/۳۰، نمره وارده ۶۲۳۸، ص ۱۹۹.
- شماره سند ۲۰۵، دفتر مخصوص شاهنشاهی، به تاریخ بهمن‌ماه ۱۳۱۷، نمره ۳۱۲۸، ص ۴۱۰.
- شماره سند ۱۰۵، گزارش لشکر رضائیه، به تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۴، نمره ۶۹۸۴، ص ۲۵۳.
- شماره سند ۱۵۹، گزارش کمیسر سردشت، به تاریخ ۱۳۱۵/۱/۱۵، نمره ۲۹۰، ص ۳۳۴.
- شماره سند ۱۶۱، گزارش‌های ستاد ارتش، ۱۳۱۵/۱/۱۷، نمره ۳۲۷، نمره ۳۴۱، صص ۳۳۶-۳۳۹.
- شماره سند ۱۶۴، سندج کفیل لشکر، به تاریخ ۱۳۱۵/۱/۱۸، نمره ۳۷۱، ص ۳۴۱.
- شماره سند ۱۶۹، سندج کفیل لشکر، به تاریخ ۱۳۱۵/۱/۲۷، نمره ۶۲۳، ص ۳۴۷.
- شماره سند ۱۸۰، گزارش تیپ کرمانشاهان، به تاریخ ۱۳۱۵/۳/۲۴، نمره ۳۰۵، ص ۳۶۳.
- ۲۵) سازمان اسناد ملی ایران. ۱۳۷۱. **خسونت و فرهنگ: اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۱۳-۱۳۲۲)**. به کوشش مدیریت پژوهش. تهران: انتشارات و آموزش، ۱۳۷۱.
- شماره سند ۴۲۳، از حکومت باوندپور به وزارت داخله، به تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۸، نمره ۷۳۷۰، ص ۲۴۰.
- شماره سند ۸۱، از حکومت گروس به تهران، به تاریخ ۱۳۱۴/۱۰/۱۳، نمره ۱۵، ص ۴۶.
- شماره سند ۴۱۷، از حکومت کرمانشاهان به وزارت داخله، ۱۳۱۴/۸/۱۷، نمره ۳۰۵، ص ۲۳۷.
- شماره سند ۴۲۲، از حکومت کرمانشاهان به وزارت داخله، به تاریخ ۱۳۱۴/۱۰/۹، نمره ۱۱۱، ص ۲۳۹.
- شماره سند ۴۳۶، از حکومت کرمانشاهان به وزارت داخله، به تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۱۷، نمره ندارد، ص ۲۴۶.
- شماره سند ۷۲، از رضائیه به تهران، به تاریخ ۱۳۱۵/۲/۲۹، نمره ندارد، ص ۴۲.
- شماره سند ۴۱۸، از حکومت کرمانشاهان به وزارت داخله، به تاریخ ۱۳۱۴/۸/۲۴، نمره ۴۱۷، ص ۲۳۷.
- شماره سند ۴۱۹، از رئیس معارف کرمانشاهان به وزارت معارف، به ۱۳۱۴/۹/۲: نمره ۵۶۵۵، ص ۲۳۸.
- شماره سند ۴۲۱، از معارف کرمانشاهان به وزارت معارف، به تاریخ ۱۳۱۴/۹/۱۸، نمره ۶۰۶۳، ص ۲۳۹.

شماره سندها ۴۳۹ و ۴۴۰، از حاکم کرمانشاهان به رئیس الوزراء، به تاریخ ۱۳۱۵/۲/۹، نمره ۱۶۳۴، صص ۲۴۷-۲۴۸.

شماره سند ۴۴۱، از سرتیپ رحیمی به ریاست وزراء، به تاریخ ۱۳۱۵/۲/۱۳، نمره ندارد، ص ۲۴۸.
شماره سند ۴۴۳، از متحدالمال حکومت کرمانشاهان به نواب حکومت، به تاریخ ۱۳۱۵/۳/۱۱، نمره ۲۰۸۹، ص ۲۴۹.

شماره سند ۴۴۴، از حکومت کرمانشاهان به ریاست وزراء، به تاریخ ۱۳۱۵/۳/۲۱، نمره ۲۶۸۷، ص ۲۴۹.
شماره سند ۷۱، از رضائیه به تهران، به تاریخ ۱۳۱۵/۱/۱۱، بدون نمره، ص ۴۲.
شماره سند ۴۰۲، از والی کردستان به نخست وزیر داخله، به تاریخ ۱۳۱۴/۱۰/۱۱، نمره ۱۰۲، ص ۲۳۰.

۲۶) زهیری، علیرضا. **عصر پهلوی به روایت اسناد**. قم: دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۷۹.

شماره سند ۵۴، رییس دفتر مخصوص شاهنشاهی، به تاریخ ۱۳۱۵/۱/۱۲، نمره ندارد، ص ۸۲.
شماره سند ۴۶، از وزارت داخله به حکومت عراق، به تاریخ ۱۳۱۴ آذر ۱۸، نمره ۱۴۴۲، ص ۷۵.

Abstract

The implementation of banning Hijab

In the Kurdish inhabited areas during the first Pahlavi's rule

One of the policies of Iran's central government during Reza Shah Pahlavi's rule was the policy of modernization in its strict Western sense. Transformation in Iran's socio-cultural sphere was central to Reza Shah's modernization project. To this end, he pursued different policies and used various means. One of the cultural policies was the prohibition of Hijab (veil) for women. The state enforced this policy in different ways across the country. However, the implementation and the enforcement of the policy engendered different reactions in various parts of Iran. This research analyses the reaction of the Kurdish inhabited areas of Iran to the first Pahlavi state's policies of banning of Hijab. The study aims to answer a number of questions, including: what was the policy of imposing banning of Hijab and how did the state implement it? How did the Kurds understand the policy? The research adopts a historical-analytical approach and depends on printed government document and memos, newspapers, and historical texts that deal with the government policy of dress codes and clothing in the period under study. The research concludes that the state, in pursuit of its cultural transformation policy through prohibiting Hijab, relied on several tools and mechanisms including the manipulation of religion, education, and coercion.

پوخته:

قده‌غهی حجاب له ناوچه‌کوردنشینه‌کانی ئیران له سهردهمی په‌هلهوی یه‌که‌مدا

(ره‌وتی جیبه‌جیکردن و کاردانه‌وه‌کان)

یه‌کێک له سیاسیه‌کانی ده‌ولته‌ی ناوه‌ندی ئیران، له سهردهمی په‌هلهوی یه‌که‌م، سیاسه‌تی مؤدیرنسازى و نوێگه‌رایى بوو که له‌م پیناوه‌دا کۆمه‌لێک به‌رنامه‌ی فهره‌نگی جیاوازی گرت‌ه‌بهر. قده‌غهی حجاب یه‌کێک بوو له‌م به‌رنامه‌نه‌ که ده‌ولت به‌ شێواز ه‌جیاوازه‌کان له‌ سهرانسهری ئیران جیبه‌جی کرد و له‌ به‌رامبه‌ر رووبه‌رووی کاردانه‌وه‌ جیاوازه‌کان بوویه‌وه و هه‌روه‌ها جیبه‌جیکردنی ئه‌م به‌رنامه‌یه‌ له‌ ناوچه‌یه‌ک بۆ ناوچه‌یه‌کیتر جیاواز بوو. ده‌ولته‌ی په‌هلهوی یه‌که‌م له‌ ناوچه‌کوردنشینه‌کان هاوشیوه‌ی ناوچه‌کانیتری ئیران له‌ هه‌ولێ جیبه‌جیکردنی سیاسه‌تی قده‌غهی حجاب بوو. ئامانجی ئه‌م توێژینه‌وه‌یه‌ تاوتوێکردنی چۆنیتی جیبه‌جیوونی ئه‌م سیاسه‌ته‌ فهره‌نگییه‌ی ده‌ولت و کاردانه‌وه‌ی ناوچه‌کوردنشینه‌کانه‌ له‌به‌رامبه‌ریدا. پرسیاره‌کانی توێژینه‌وه‌که‌ بریتین له: قده‌غهی حجاب له‌ ناوچه‌کوردنشینه‌کان چۆن بووه‌ و ئه‌و شێواز و ئامرازانه‌ چی بوون که ده‌ولت سوودی لێ وهرده‌گرت؟ کاردانه‌وه‌ی خه‌لکی ناوچه‌کوردنشینه‌کان له‌ به‌رامبه‌ر ئه‌م سیاسه‌ته‌ چۆن بووه‌؟ کورده‌کان چ‌ روانینیکیان بۆ به‌رنامه‌ی قده‌غهی حجاب هه‌بووه‌؟ له‌م توێژینه‌وه‌یه‌ میتودی وه‌سف-شیکاری به‌سووده‌رگرتن له‌ سه‌رچاوه‌کانی کتێخانه‌ و به‌پشتبەستن به‌ به‌لگه‌نامه‌میژوو‌بیه‌کان به‌کارهاتووه‌. توێژینه‌وه‌که‌ گه‌یشتوته‌ ئه‌م ئه‌نجامه‌ی که ده‌ولت بۆ جیبه‌جیکردنی سیاسه‌ته‌ فهره‌نگییه‌کانی و به‌ تایبه‌تی قده‌غهی حجاب، سوودی له‌ ئامراز ه‌جیاوازه‌کانی وه‌ک ئاین، مه‌عارف و سه‌رکووتکردن بینیه‌وه‌. به‌لام ئه‌وه‌ی که جیگه‌ی تێرمانه‌ ئه‌وه‌یه‌ که ئه‌گه‌رچی قده‌غهی حجاب له‌ ناوچه‌کوردنشینه‌کان هاوشیوه‌ی ناوچه‌کانیتری ئیران به‌گرتنه‌به‌ری فشار و توندوتیژی جیبه‌جی ده‌کرا، به‌لام به‌هۆی پۆشینی باوی ژنانی کورد به‌به‌راورد به‌ ژنانی ناوچه‌کانیتر، فشاری توندوتیژی‌یه‌کان به‌به‌راورد به‌ زۆربه‌ی ناوچه‌کانیتری ئیران که‌متر بووه‌ و رووبه‌رووی دژایه‌تی جیدی و کاردانه‌وه‌ی کرداری به‌رچاوه‌ له‌ لایه‌ن خه‌لکی ئه‌م ناوچانه‌ نه‌بوته‌وه‌.

کلێله‌وشه: په‌هلهوی یه‌که‌م، قده‌غهی حجاب، ناوچه‌کوردنشینه‌کان، جلوه‌به‌رگی ژنان